

## نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران

محمود ولی زاده ۱ و محمد ترابی ۲

۱ دانشجوی مقطع دکتری، رشته علوم سیاسی، گرایش جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، واحد قم، ایران

۲ استاد دانشگاه آزاد اسلامی قم، واحد قم، ایران

### چکیده

سابقه مدیریت بحران در همه کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته نشان داده است که با توجه به ماهیت پیچیده بحرانها و خطر سوانح، دولتها به تنهایی جوابگوی ضرورتها نیستند و حضور (سازمان یافته) مردم و اجتماع در این عرصه ضروری است. همانطور که تجربه حاصل از وقوع حوادث پر شمار و عملکرد مردم و سازمانهای دولتی و غیردولتی مسئول در ایران نشان میدهد، مدیریت بحران در کشور ما همواره با فرازونشیبهایی همراه بوده و رویکردی واحد و اثربخش برای مدیریت سوانح وجود ندارد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران انجام پذیرفت. نقش نقش نیروهای اجتماعی در کمک به مدیریت بحران بیانگر قدرت و توانایی آنها به عنوان ظرفیتی بالقوه برای عبور از مشکلات و بحرانهای مختلف در وضعیتهای اضطراری عمومی و پیچیده انواع حوادث و سوانح در کشور است. در رابطه با حضور و مشارکت مردم و نیروهای اجتماعی در مراحل مختلف و در سطوح مختلف برنامه ریزی، در نظریات جدید حکمروایی، روی آوردن به شیوه مشارکتی به طور کلی در تصمیم گیریها و برنامه ریزیها و توجه به مسئولیت پذیری اجتماعی یک ضرورت تلقی می شود و اساس توسعه پایدار در سطوح محلی، ملی و بین المللی را تشکیل می دهد. بنابراین هر چه بیشتر این تشکلهای در کشور جنبه های عینی پیدا کنند، جامعه به مشارکت نیروهای مردمی نزدیک تر می شود، وجود تشکلهای می تواند به عنوان پیوند واسطه ای میان مردم و دولت ها باشد، خواسته ها و نظرات مردم را بشنود و در قالب طرحها و برنامه های اجرایی ارائه کند و در واقع پررنگ کردن نقش تشکلهای منجر به حضور بیشتر مردم میشود. در این پژوهش به نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران با رویکرد داده بنیاد می پردازیم.

واژه های کلیدی: نیروهای اجتماعی، بحرانها، مدیریت بحران

## ۱. مقدمه

زندگی بشر از آغاز همواره با ناملایمات و دشواریهایی همراه بوده و به تدریج که ابعاد اجتماعی و نظام یافتگی زندگی، بیشتر و روابط و همکاریهای درون اجتماعی در قالب علایق، منافع فردی واجتماعی اشکال عینیتری به خود گرفته و در نتیجه مرزبندی‌هایی را در سازمان اجتماعی و در حوزه‌های منافع گروهی و رقابت‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده، این ناملایماتی-ها اشکال جدید و پیچیده‌تری به خود گرفته است. در عصر جدید و شکوفایی تمدن و همزمان با افزایش آگاهی‌های مدنی که سطح خواسته‌ها و نیازهای اجتماعی را افزایش داده، ناملایماتیها در قالب بحرانهای مختلف بر عرصه‌ی زندگی و حیات سیاسی جوامع سایه افکنده و محدودیتها و الزامهایی را در حوزه‌های مختلف روابط اجتماعی و در ساختار نظام تصمیمگیری به وجود آورده است. در نتیجه هیچ نظام سیاسی و جامعه‌ای نمیتواند مصون از بحرانها و پیامدهای کوتاه و بلند مدت آن باشد. از جمله‌ی این بحرانها وقوع بلایای طبیعی، می باشد که خارج از انتظار عادی افراد و گروه‌ها بوده و از نظر علل وقوع به دو دسته تقسیم میشوند: یکی به دلیل فعل و انفعالات طبیعی و دیگری ناشی از فعالیت‌های انسانی. بلایایی همچون زلزله، طوفان، گردباد، سیل، سونامی، رانش زمین، بهمن، آتشفشان و خشکسالی و حوادثی همچون آتش سوزی، انفجار، آلودگی هوا، تصادفات، ترافیک، آلودگی رادیواکتیو و جنگها از این جمله‌اند. به هر حال بلایای طبیعی در هر یک از اشکال فوق، در ابعاد مختلف، پیامدهایی جدی بر جوامع مختلف داشته است، بویژه که در دهه گذشته بیش از ۵۰۰ هزار نفر، قربانی بلایای مختلف طبیعی در سراسر جهان شده‌اند. خسارات اقتصادی ناشی از این حوادث، چه از نظر مقدار مطلق و چه درصد تولید ناخالص داخلی نیز بسیار بوده است.

حجم عواقب ناشی از بحران‌های طبیعی بیانگر این است که در دنیای امروز سازمان‌ها قادر نیستند که همه‌ی مسائل و نیازهای خود را به تنهایی بر طرف سازند. بلکه باید برای تداوم رشد و توسعه‌ی همه جانبه، مشارکت مردم و نهادهای مردمی را در اداری امور کشور به کار گیرند بطوریکه مشارکت سازمانهای غیر دولتی در امور جامعه به عنوان یک ارزش تلقی گردد. سازمان‌های غیر دولتی به عنوان تسهیل کننده عمل کرده و با جلب مشارکت مردمی و جذب سرمایه‌های کوچک و هدایت آنها، علاوه بر ایجاد تفاهم اجتماعی، اجرای پروژه‌های ملی و محلی، امر بحران را تسریع کرده و از سوی دیگر این سازمانها با اعمال نظارت و ارزیابی فرآیند انجام فعالیت‌ها، مردم را از پیشرفت کار و مسائل و مشکلات و امثال آن آگاه مینمایند. نقش مؤثر سازمانهای مردم نهاد سبب شده است تا مشارکت بخش دولتی و بخش غیر دولتی در بسیاری از کشورها از سال ۱۹۹۰ به طور فزاینده‌ای ملی و مردمی‌گردد. به گونه‌ای که بعضی از دولت‌ها اعتقاد دارند که دخالت بخش غیر دولتی در تحویل زیر ساختها خدمات دولت را باکیفیت بهتری افزایش میدهد و بسیاری معتقدند که این همکاری بین دولت و بخش غیر دولتی نتایج بهتری را تولید میکند. و مشارکت بخش غیردولتی، یک استراتژی مطلوب و قابل استفاده توسط دولتها، تا این بخش را در پروژه‌های عمومی تشویق به مشارکت کنند. مشارکت بخش غیر دولتی به عنوان یکی از مدل‌های مورد علاقه‌ی سازمانی در سراسر کشورهای اتحادیه‌ی اروپا به خصوص در انگلستان به طور گسترده از سال ۱۹۸۰ از آن استفاده شده است. توجه ویژه به سازمانهای مردم نهاد به این دلیل است که سازمان‌های غیر دولتی، یکی از مصادیق جامعه‌ی مدنی در ارتباط با حاکمیت ارزشهای مردمی هستند که زمینه‌ی مشارکت بیشتر مردم را در اداره امور مختلف اجتماعی فراهم میکنند و میتوانند با کمک در اموری چون سیاستگذاری، اجرا و پیگیری فعالیتها در اداره امور عمومی نقش داشته باشند. این سازمانها زمینه‌ی مشارکت سازمان یافته نخبگان را در مدیریت جامعه تسهیل میکنند و با نقش‌های مختلفی مانند منتقد، همکار، بازوی اجرایی، شریک و بازرس میتوانند به اجرای مؤثر برنامه توسعه‌ی کشورها خدمت کنند. به علاوه با جلب اعتماد و کمک‌های مردمی در سطح ملی و بین المللی به گشودن گره‌های اجتماعی میپردازند و بار سنگینی را از دوش دولت‌ها بر میدارند. عبارتی سازمانهای غیر دولتی موجب بالا بردن سطح توانمندی‌ها در ارتباط با شناخت مسائل و مشکلات و ارائه راهکارهای منطقی و ایجاد اشتغال تمام وقت و نیمه وقت در جامعه می شوند.

در چند دهه‌ی اخیر، کشورهای در حال توسعه، با تأثیر منفی بلایای طبیعی در توسعه‌ی اقتصادی مواجه شده‌اند. این با بسیاری از کشورهای توسعه یافته متفاوت است که در آن کشورها، تأثیر بلایای طبیعی از طریق همکاری با بخش غیر دولتی

کاهش یافته است. این رویکرد در کاهش بار مدیریت بحران مفید بوده است. و همکاری نهادهای دولتی و غیر دولتی در کشورهای توسعه یافته برای ایجاد برنامه‌های جدید برای پیشگیری و انعطاف پذیری فاجعه کمک بسیاری کرده است، این در حالی است که در کشورهای درحال توسعه، نهادهای بخش غیردولتی کمتر جذب مشارکت در برنامه‌های مدیریت بحران میشوند. بنابراین با توجه به این دلایل دولت‌های کشورهای در حال توسعه باید برنامه‌های مدیریت بحران را با بودجه‌ی محدود و ناکافی به انجام برسانند و بخش بزرگی از تأمین مالی مدیریت بحران توسط دولت فراهم میشود و در این کشورها این یک تلقی عمومی شده است که مدیریت خطر بلا(بحران) یک کالای عمومی است. و همچنین مشارکت دولتی - غیردولتی یک راه پسندیده و مطلوب برای دولت است تا با این بخش در تحویل زیرساخت‌ها و خدمات دولتی با هدف افزایش کیفیت خدمات در بحران تعامل ایجاد کند. با افزایش بلایا و خسارات ناشی از افزایش بلایا(حوادث) در سطح جهانی، گزارش‌های سازمان بین المللی نشان میدهد که کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته بیشتر تحت تأثیر بلاهای طبیعی هستند و اینکه این کشورها در مدیریت بحران با دو مشکل اساسی روبه رو هستند: افزایش نقش دولت و محدودیت مالی. با توجه به آمار تلفات جانی و خسارات ناشی از حوادث در ایران وجود گروه‌های مردمی آموزش دیده در قالب سازمانهای مردم نهاد(سمن) و مشارکت آنها ضروری به نظر میرسد تا بتوانند با قدرت و آگاهی در زمان بحران به کمک مردم آسیب دیده و نهادهای دولتی بشتابند و قدری از درد ورنج آسیب دیدگان بکاهند و زمینه‌ی تعادل و توازن بین نیازها و منابع را که در زمان بحران از بین رفته، فراهم سازند. در عرصه مدیریت شهر تهران نیز روایت مشابهی صادق است؛ چراکه تهران، به منزله بزرگ‌ترین و پرجمع‌ترین شهر کشور و پایتخت سیاسی، در معرض مخاطرات گوناگونی قرار دارد که از جمله می‌توان به زلزله، خش‌کسالی، آلودگی هوا، آتشفشان، کم‌آبی و... اشاره کرد. بافت فرسوده، ساخت و ساز غیراستاندارد، تجمع جمعیت و الگوی نادرست مصرف، از جمله معضلاتی‌اند که شهر تهران را در برابر بحران آسیب‌پذیر می‌کنند. در نتیجه، ارتقای مشارکت و سطح کیفی فعالیت سازمان‌های مردم نهاد می‌تواند به بهبود سطح مدیریت بحران در شهر تهران کمک کند. لذا در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که عوامل موثر بر نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران کدامند؟

## ۲. پیشینه تحقیق

شاطری و همکاران(۱۴۰۰) مطالعه جامعه شناختی انگیزه‌های مشارکت در سازمان‌های مردم نهاد محیط زیستی شهر تهران: ارائه نظریه‌ی زمینه‌ای پرداختند. سابقه و هدف: سازگاری با تغییرات آب و هوایی و تغییر رفتارهای مرتبط با انرژی جهت کاهش گرمایش جهانی از ضروریات جوامع امروزی است که بدون مشارکت همه جانبه مردم و گروه‌ها از جمله سازمان‌های مردم نهاد محیط‌زیستی امکان پذیر نخواهد بود. مشکلات متعدد محیط‌زیستی و دشواری مدیریت شهری در این زمینه در شهرهای بزرگی چون تهران ضرورت گسترش این سازمان‌ها را نمایان‌تر می‌کند، زیرا توسعه سازمان‌های مردم نهاد منجر به گسترش مشارکت و افزایش سرعت تصمیم‌سازی در حوزه محیط‌زیست خواهد شد. در این راستا، شناخت دلایل و انگیزه‌های افراد از عضویت در سازمان‌های مردم نهاد محیط‌زیستی به عنوان هدف اصلی تحقیق حاضر، می‌تواند به گسترش این نوع سازمان‌ها جهت دستیابی به توسعه پایدار گردد. پژوهش‌های پیشین در این زمینه، بسیار اندک و غالباً با رویکرد کمی انجام شده‌اند. مواد و روش‌ها: رویکرد این پژوهش تفسیرگرایی است و با استفاده از روش زمینه‌ای یا گرنند تئوری انجام شده است. مشارکت-کنندگان بر اساس نمونه‌گیری هدفمند به تعداد ۲۰ نفر از اعضای سمن-های اقلیم و انرژی شهر تهران در سال ۹۸-۱۳۹۷ انتخاب شده‌اند. داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با استفاده از مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. مفاهیم حاصل از کدگذاری، ذیل مقوله‌ها قرار گرفت و مدل پارادایمی استخراج شده در پنج بخش شامل: شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، زمینه، راهبردها و پیامدها می‌باشد که حول پدیده اصلی شکل گرفت. نتایج و بحث: تحلیل داده‌ها نشان داد که شرایط علی اثرگذار بر انگیزه‌های اعضا از مشارکت در سمن‌های محیط‌زیستی بر اساس کسب موقعیت اجتماعی، نگرش استعلایی، دلایل شخصی(علاقه، طبیعت-گرایی، رشته تحصیلی، تجارب حسی، نگاه سیستمی، کشف علاقه‌مندی‌های خاص)، برخورداری از دانش تخصصی و نگرانی می‌باشد. هم‌چنین شرایط مداخله‌گر موثر بر پدیده شامل: محدودیت‌های ساختاری(شکندنده بودن محیط‌زیست، عدم وجود بستر لازم برای

فعالیت‌های مدنی و...)، ارزش ذاتی محیط-زیست، همجواری و شرایط شغلی هستند. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داده است که راهبردهای اتخاذ شده توسط کنشگران در دو بخش کوتاه-مدت و بلندمدت عبارتند از: فعالیت‌های نمادین، انتقاد، توان-افزایی اعضا، جذب متخصصین، رویکرد علمی در برنامه‌ها و مشاوره به برنامه-ریزان، شبکه-سازی روابط و تعامل و خرد جمعی. نهایتاً، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که پیامدهای اتخاذ این راهبردها، الگوپذیری، اثرگذاری، جلب-توجه برنامه-ریزان به مسائل خاص محیط زیستی، تولید محتوای آموزشی و علمی، اعتماد، مرجعیت، تبادل علمی و مطالبه-گری است. نتیجه-گیری: انگیزه اصلی و محوری اعضا از مشارکت در سازمانهای غیردولتی محیط زیستی، دغدغه‌های محیط زیستی می باشد. اعضا در راستای رسیدن به این مهم با علاقه، به تاسیس سازمان غیردولتی و یا به عضویت و مشارکت در آن روی می‌آورند تا ضمن توسعه روابطدرون گروهی و بین گروهی بتوانند بسترسازی لازم برای تغییر رفتارها و کاهش یا حل مشکل های محیط زیستی را فراهم نمایند. افزون بر این، مطالعه دلایل و انگیزه‌های اعضا از مشارکت در سازمانهای غیردولتی محیط زیستی، میتواند ساز و کارهای جذب سایرین جهت توسعه و گسترش این سازمانها را فراهم آورد.

مصلحی و همکاران (۱۳۹۸) بررسی نقش آموزش همگانی و سازمان های مردم نهاد در مدیریت بحران: یک مطالعه مروری پرداختند. مقدمه: بحران حادثه ای است که بطور طبیعی یا توسط انسان و بطور ناگهانی رخ می دهد و الگوی زندگی افراد جامعه را مختل کرده و جان انسانها را به خطر می اندازد و صدمات متعددی در سطح اقتصادی، اجتماعی و روانی به بار می آورد که برای برطرف نمودن آن نیاز به اقدامات اضطراری می باشد. این مطالعه با هدف بررسی پژوهش های انجام شده در رابطه با نقش آموزش همگانی و سازمان های مردم نهاد در مدیریت بحران انجام شد. روش: با مطالعه مروری و با استفاده از اطلاعات موجود در پایگاه های اطلاعاتی جهاد دانشگاهی Scientific Information Database پایگاه جستجوی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی کشور Iran Doc، بانک اطلاعات مقالات علوم پزشکی Iran Medex، بانک اطلاعات نشریات کشور MagIran، Google Scholar و PubMed و با استفاده از کلید واژه های مدیریت management بلايا disaster؛ آموزش education و سازمان های مردم نهاد Non-Governmental Organization مقالات مورد نظر بدست آمد. مقالات بر اساس معیارهای ورود و خروج و نتایج آنها تحلیل شد. یافتهها: از مجموع ۲۷۰ مقاله یافت شده، ۳ مقاله متناسب با هدف مطالعه ما بوده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای انتخاب مستندات مورد استفاده ابتداءنویین یافت شده توسط موتور جستجو از نظر ارتباط موضوعی بررسی شدند. مواردی که به جای مقاله مروری، مفهوم مرور مقاله یا نقد مقاله را در برداشت از مطالعه حذف شد. نتیجه گیری: بررسی مطالعات انجام شده نشان داد که مشارکت جامعه و سازمان های مردم نهاد به عنوان یکی از عناصر اصلی مدیریت بحران، منجر به کاهش اثرات سوء از ابتدا تا انتها می شود. بنابراین با توجه به اینکه ایران جزء ۲۰ کشور بلاخیز دنیا محسوب می شود، میتوان با افزایش آگاهی عموم در جامعه گامی مثبت در جهت مدیریت هرچه بهتر بلايا و کاهش خسارت های جانی و مالی برداشت.

لانگ (۲۰۱۲) در تحقیقی تحت عنوان «پاسخگویی سازمان های مردم نهاد، در جامعه مدنی و حوزه عمومی شان» به بررسی این موضوع می پردازد که سمن ها در کشورهای جهان سوم به طور فزاینده ای تبدیل به وسایل بالقوه ای در خدمت ایدئولوژی شده اند. در پایان نتیجه می گیرد که دیدگاه های مدرن رادیکال برای اصلاح پاسخگویی در توضیح مشکلات تحقیقات تجاری مفید هستند، اما برای بررسی نقاط قوت و محدودیت سمن ها و اصلاح در حوزه مدنی می توانند توسعه یابند. بنابراین، این مقاله یک دیدگاه دیالکتیکی را برای بررسی نقشی برای سمن ها در حوزه عمومی را که مشخص کننده کاوش برای یک جامعه از خود بیگانه نشده است، پیشنهاد می کند

چن (۲۰۰۸) طی تحقیقی تحت عنوان «انتخاب سهام توسط تحلیل پوششی داده ها»، از مدل تحلیل پوششی داده ها برای انتخاب پرتفویی از کارآترین شرکت های موجود در هشت صنایع از بورس اوراق بهادار تایوان استفاده کرده است. در این تحقیق توسط مدل های CCR و BCC به صورت جداگانه، پرتفوهایی تشکیل شده و در آخر پرتفوهایی به دست آمده از این دو مدل، با پرتفوی حاصل از انتخاب بر مبنای اندازه شرکت و همچنین با میانگین بازده بازار مقایسه شده است. برای مقایسه بازده های تعدیل شده با ریسک پرتفوهایی ساخته شده، از نسبت شارپ استفاده کرده است. در آخر پرتفوی ساخته شده توسط معیار اندازه

شرکت، بازده کمتری از بقیه به دست آورده و رد شده است، ولی پرتفویهای ساخته شده توسط مدل‌های تحلیل پوششی داده‌ها مورد قبول بوده است. در نهایت با روش تحلیل پوششی داده‌ها با در نظر گرفتن همزمان چندین ورودی و خروجی به بازه‌ای بالاتر از میانگین بازده صنعت رسیده و پرتفوی ساخته شده سهام بهینه‌ای را تشکیل داده است.

لی، موگی و هیو (۲۰۱۳) در تحقیقی تحت عنوان «ارائه یک مدل ترکیبی از DEA و AHP برای تخصیص منابع R&D در مورد فناوری‌های انرژی در برابر قیمت‌های بالای نفت» یک رویکرد تصمیم‌گیری چندمعیاره دومارحله‌ای تلفیقی جهت ارزیابی وزن‌های رابطه‌ای شاخص‌ها و اندازه‌گیری کارایی نسبی تکنولوژی‌های انرژی در برابر قیمت‌های بالای نفت ارائه کرده‌اند. در مرحله اول فرایند سلسله‌مراتبی فازی، ابهامات اندیشه بشر به کمک مقادیر بازه‌ای به جای اعداد ثابت منعکس شده است. در مرحله بعد با استفاده از تکنیک DEA کارایی رابطه‌ای تکنولوژی‌های انرژی در مقابل قیمت‌های بالای نفت اندازه‌گیری شده است. در نهایت مشخص شده است که نمره کارایی نسبی تکنولوژی‌های انرژی در برابر قیمت‌های بالای نفت می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان جهت تخصیص مؤثر منابع R&D محدود کمک کند.

### ۳. روش تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های ترکیبی است و رویکردی دو مرحله‌ای دارد:

**مرحله اول:** نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران

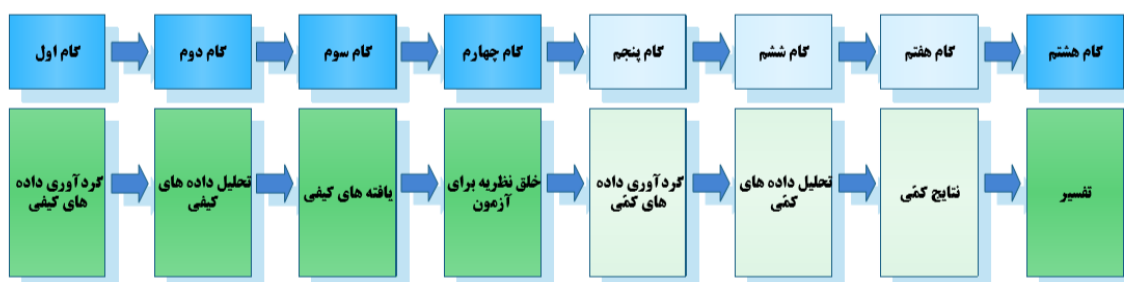
**مرحله دوم:** بررسی برازش مدل طراحی شده و آزمون فرضیه‌ها

**مرحله سوم:** الویت بندی عوامل موثر بر نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران

مطالعات کتابخانه‌ای: در این قسمت جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و تدوین چارچوب نظری تحقیق، از منابع کتابخانه‌ای همانند کتاب، مقالات، همایش‌ها و همچنین منابع اینترنتی استفاده شد.

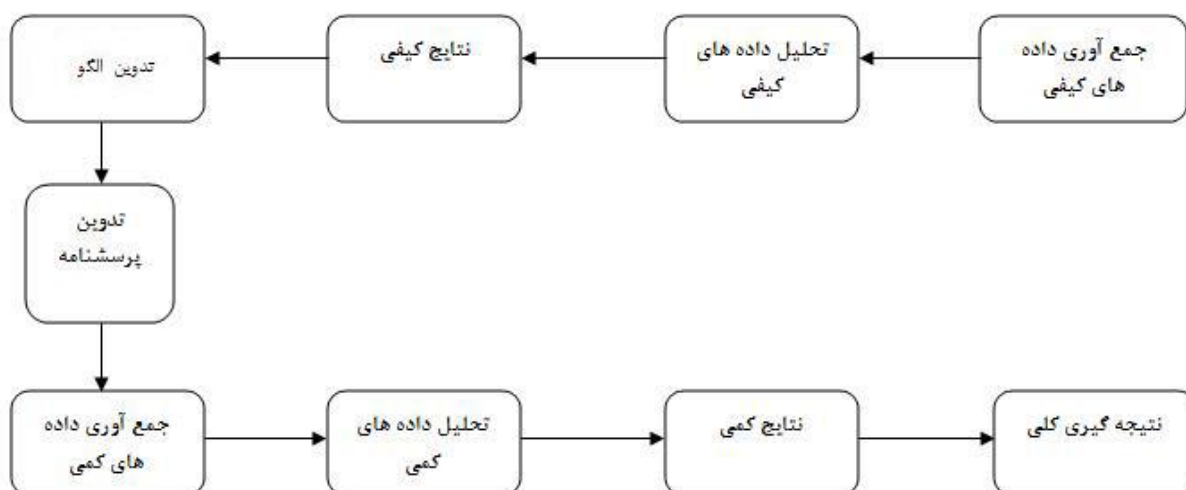
تحقیق میدانی: در این قسمت به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه و پرسشنامه استفاده خواهد شد

در بخش روش گردآوری اطلاعات در بخش ادبیات تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. در بخش داده‌های اولیه نیز به منظور شناسایی مولفه‌ها از ابزار مصاحبه در بخش کیفی استفاده می‌شود. در مرحله دوم نیز به منظور تحلیل عاملی از ابزار پرسشنامه محقق ساخته بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت و در مرحله سوم از پرسشنامه استفاده می‌شود. در این تحقیق در ابتدا به منظور تحلیل فرآیند‌های کیفی و کمی از فرآیند‌های مطرح شده در بخش زیر استفاده می‌شود:



شکل ۱- مسیر اجرایی مدل ایجاد گونه شناسی طرح اکتشافی

در این روش بر اساس گونه‌شناسی طرح اکتشافی ابتدا اقدام به تحلیل داده بنیاد می‌گردد. در تحلیل داده بنیاد به منظور شناسایی مولفه‌ها از روش کد گذاری باز، محوری و انتخابی استفاده می‌شود. با توجه به مطالب گفته شده، در این پژوهش، به منظور شناسایی مولفه‌های نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران ابتدا با داده‌های کیفی پژوهش آغاز شده و در مراحل بعد با روش کمی ادامه یافته است. با توجه به نمودار ذیل، فرآیند اصلی پژوهش حاضر ترسیم شده است:



شکل ۲- فرآیند پژوهش ترکیبی (کرسول و پلارک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۱۱)

در بخش دوم به منظور سنجش برازش مدل و همچنین ارزیابی شاخص‌های اصلی از روش مدل یابی معادلات ساختاری (SEM<sup>۲</sup>) استفاده می‌شود. برای این منظور در این تحقیق از نرم افزارهای معادلات ساختاری منظور تحلیل و شناسایی شاخص‌ها استفاده می‌گردد. در بخش سوم تحقیق بمنظور اولویت‌بندی عوامل موثر بر نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران، روش معادلات ساختاری تفسیری (ISM<sup>۳</sup>) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پژوهش حاضر در بخش نخست با استفاده از روش نظریه پردازی برخاسته از داده‌ها (GT) انجام خواهد شد. این روش توسط استراس و کوربین ابداع گردید و به معنای روشی است که بر اساس و پایه داده‌ها به تولید نظریه می‌پردازد. داده‌هایی که برای تشریح فرایندها جمع آوری می‌شود، شامل انواع داده‌های کیفی از جمله مشاهدات، گفت و شنودها، مصاحبه‌ها، اسناد دولتی و تأملات شخصی پژوهشگر می‌شود (کرسول، ۲۰۰۵). در این روش، تمامی محتوا یا داده‌هایی که به نحوی با موضوع مورد مطالعه در ارتباط می‌باشند، منبعی برای اطلاعات محسوب می‌شوند. در این راستا، گام اصلی، مشخص کردن تکنیک‌های گردآوری اطلاعات است.

ارائه یک نظریه برخاسته از داده‌ها، مستلزم جمع آوری و تحلیل همزمان و زنجیروار داده‌ها است. نمونه‌گیری نظری در این روش، بدین معنا است که داده‌ها به گونه‌ای جمع آوری می‌شوند که برای تولید یک نظریه، مفید باشند. در پژوهش حاضر، با استفاده از این روش و طی فرایند مستمر جمع آوری، تجزیه و تحلیل و دسته‌بندی داده‌ها از طریق مصاحبه، به تدوین مدل پرداخته شد. شایان ذکر است که پژوهشگر در این مصاحبه‌ها به دنبال شناسایی چالش‌های موجود، مزایا، مولفه‌ها و آرایه مدل در خصوص نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران بوده است. در نمونه‌گیری نظری، گردآوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها، اقداماتی هستند که به شدت به یکدیگر وابسته می‌باشند و می‌بایست به صورت متناوب انجام گیرند؛ زیرا تحلیل، نمونه‌گیری از داده‌ها را هدایت می‌کند (کرسول، ۲۰۰۵).

در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری بدین گونه آغاز می‌شود که ابتدا افرادی که به لحاظ اجرایی و علمی با پژوهش مرتبط بودند، شناسایی گردند. ذکر این نکته ضرورت دارد که در زمینه جامعه‌شناسی شهری و مدیریت بحران که شناخت کافی نسبت به مؤلفه‌های مربوطه دارند و دارای تجربه اجرایی یا سابقه پژوهشی در این راستا بودند، انتخاب می‌شوند. لازم به ذکر است اشخاصی که ویژگی‌های لازم را در هر دو زمینه داشتند، در اولویت بالاتری برای مصاحبه قرار می‌گیرند. نمونه‌گیری تا زمان

1 Creswell & Plark

2 Structural equation modeling

3 Interpretive structural modeling



اشباع داده‌ها ادامه خواهد یافت. در ادامه و پس از تکمیل مصاحبه‌ها، اطلاعات به دست آمده مقوله‌بندی شده و سپس، داده‌ها از طریق مرتبط کردن سیستماتیک مقوله‌ها در یک مدل، به طور مجدد مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. پس از طراحی مدل نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران با استفاده از روش داده بنیاد، در مرحله دوم پژوهش به منظور بررسی برازش مدل و انجام تجزیه و تحلیل‌های لازم از تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری بهره گرفته خواهد شد. در بخش سوم تحقیق نیز جهت اولویت بندی عوامل موثر بر نقش نیروهای اجتماعی در مقابله با بحرانها در شهر تهران، روش مدلسازی ساختاری تفسیری مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

#### ۴. بحث و نتیجه گیری

امروزه در ایران نیز ارتباط مردم با حکومت و دولتها و جلب مشارکت هر چه بیشتر مردم در امور مختلف از طریق نهادهایی صورت میگیرد که به سازمانهای مردم نهاد (سمن) معروف گردیده‌اند. ویژگی‌هایی نظیر عدم وابستگی به ساختار دیوانسالارانه و منابع دولتی (غیر دولتی بودن)، داوطلبانه بودن و غیرانتفاعی بودن، آنها را از سازمانهای دولتی متمایز میکند. سازمانهای مردم نهاد، به عنوان نهاد جامعه‌ی مدنی در مدیریت بحران زلزله نقش بسزایی را می‌توانند ایفا نمایند. از آنجا که این سازمانها غیر انتفاعی هستند و بدون کمک دولت و صرفاً با کمک مؤسسان آن و سایر افراد خیر برای رسیدن به اهداف انسان دوستانه تشکیل میشوند، انجام اقدامات انسان دوستانه در مواقع وقوع زلزله نیز به عنوان بخشی از فعالیت‌های آنها محسوب میشود. البته فعالیت‌های سازمانهای مردم نهاد در زمینه‌ی امداد رسانی و مقابله بوده است. اما با توجه به نقش گسترده و پررنگ آنها در مدیریت بحران زلزله ی بم، میتوان در تمامی مراحل مدیریت بحران از کمک این سازمانها استفاده نمود.

رضایی و همکاران (۱۴۰۰)، بررسی نقش سازمان های مردم نهاد در تحقق پذیری حکمروایی خوب شهری نمونه موردی کلانشهر تهران پرداختند. نظام اداره امور شهر در طی صد سال گذشته به جهت ضعف نهادهای مدنی و محلی، نداشتن جایگاه تعریف شده تشکیلاتی در سلسله مراتب تشکیلاتی کشور و عدم مشارکت در برنامه ریزی به واسطه ماهیت برنامه ریزی متمرکز و از بالا به پایین باز مانده است. امروزه کلانشهر تهران بعنوان کلانشهری که می بایست نقش بین المللی در سطح منطقه و نقشی ملی در داخل کشور ایفا کند، برخوردار از مسائل و مشکلات عدیده است، که عمدتاً بواسطه عدم توسعه اجتماعات محلی و شکل گیری حکمروایی خوب شهری است. از این رو در این پژوهش سعی بر آن شده است که به نقش و جایگاه سازمان های مردم نهاد به عنوان یک ظرفیت نهادی در تحقق و بهبود فرآیند حکمروایی جهت افزایش مشارکت اجتماعات محلی پرداخته شود. پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از لحاظ گردآوری داده توصیفی - پیمایشی است. برای دستیابی به این هدف، نمونه ای از مسئولین و فعالین سازمان های مردم نهاد کلان شهر تهران، انتخاب و مورد پیمایش قرار گرفته است. جامعه آماری شامل مدیران سازمان های مردم نهاد مناطق ۲۲ گانه کلان شهر تهران (۱۵۰ نفر) می باشند که با استفاده از معادله کوکران، تعداد نمونه آماری برابر با ۱۰۹ نفر ارزیابی شد. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری خوشه گیری، ۱۰۹ نفر نمونه آماری از بیست و دو منطقه کلانشهر تهران انتخاب شدند و برای تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی و استنباطی از آزمون رگرسیون در نرم افزار SPSS استفاده شد. یافته ها نشان داد که به طور کلی سازمان های مردم نهاد در تحقق پذیری حکمروایی خوب شهری کلان شهر تهران نقش دارند، اما این سازمان ها با وجود آن که بر تحقق پذیری مولفه های مشارکت و پاسخگویی کلان شهر تهران مثر مثر می باشند، اما در برآورده ساختن مولفه های قابلیت اطمینان، شفافیت و همچنین کارائی نقش قابل قبولی ندارند.

هریسون (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین سازمان‌های غیردولتی و رهبران سیاسی در غرب بنگال، هند» به بررسی رابطه بین ان‌جی‌اوها و مقامات دولتی در ایالت بنگال غربی می‌پردازد. در این تحقیق با استفاده از مطالعه موردی و مصاحبه با مقامات دولتی، نحوه تأمین بودجه این سازمان‌ها توسط دولت و همچنین نحوه استفاده دولت از آن‌ها بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که وابستگی ان‌جی‌اوها به بودجه دولتی، موجب ایجاد فشار بر آن‌ها توسط دولت، جهت تغییر ساختار سازمان و تبدیل به سازمان‌های بوروکراسی می‌شود.

ثابت شده است که تحقق توسعه‌ی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که پایدار و عادلانه باشد به طور فوق العاده‌ای پیچیده است و دانش و منابع دولت و سازمان مردم نهاد را طلب میکند. دولتهایی که به تنهایی عمل میکنند به سختی میتوانند با همه‌ی مسائل چنین توسعه‌های کنار بیایند و سازمانهای مردم نهاد کارآیی، اثر بخشی و انعطاف پذیری را در اجرای برنامه‌ها در سطح اجتماعات محلی را اثبات کرده‌اند. ظهور سازمانهای مردم نهاد و ویژه‌های که دارای کارکردهایی در بعضی بخش‌ها هستند دولتها را قادر ساخته است که با این سازمانها در اجرای مسایلی مانند مشاوره، اطلاع رسانی، آموزش، برنامه‌های اجتماعی و دیگر برنامه‌های توسعه اقتصادی همکاری داشته باشند. وقتی دولت و سازمانهای مردم نهاد با هم کار میکنند نسبت به زمانی که به طور جداگانه کار می‌کنند فعالیت‌های بیشتری انجام میشود و ظرفیت‌های آنها به منظور دستیابی به توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌یابد. بنابراین دلایل و توجیه‌های قابل ملاحظه‌ای برای همکاری بین دولتها و سازمانهای مردم نهاد وجود دارد.

سابقه مدیریت بحران در همه کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته نشان داده است که با توجه به ماهیت پیچیده بحرانها و خطر سوانح، دولتها به تنهایی جوابگوی ضرورتها نیستند و حضور (سازمان یافته) مردم و اجتماع در این عرصه ضروری است.

### منابع

- آهنچی، م. (۱۳۷۶)، مدیریت سوانح: سوابق، مفاهیم، اصول و تئوریه‌ها، چاپ اول، تهران: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، مرکز آموزش و تحقیقات.
- امینی، الهام (۱۳۸۵)، تبیین نقش و عملکرد برنامه ریزی بافت شهری در کاهش آسیب پذیری شهر در برابر زلزله، رساله دکتر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- انصاری، محمد اسماعیل (۱۳۷۹)، مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی، مجله آزما، شماره ۶، صص ۳۹-۳۶.
- ایرانمنش، محمد (۱۳۹۳)، نقش سازمان های مردم نهاد در مدیریت بحران زلزله های ایران، فصلنامه دانش مدیریت بحران، شماره ۸۵.
- ایمانی جاجرمی، حسین و همکاران (۱۳۸۱)، مدیریت شهری پایدار (بررسی تجارب مشارکتی شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرها)، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- باباخانی، فرهاد؛ یزدانی نسب، محمد؛ نوری، مهدی (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت نیروهای داوطلب مردمی در زمان بحران، فصلنامه علمی و پژوهشی مدیریت بحران، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره چهارم، صص ۱۷-۵.
- باجزی نیا، ابراهیم (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر جذب مشارکت مردمی در امداد حوادث غیر مترقبه با تأکید بر زلزله (مطالعه موردی: مردم شهر کرمان)، پایان نامه تحصیلی برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته مدیریت گرایش بحران، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- رضایی، فرشته و توکلی نیا، جمیله و صرافی، مظفر، ۱۴۰۰، بررسی نقش سازمان های مردم نهاد در تحقق پذیری حکمروایی خوب شهری نمونه موردی کلانشهر تهران
- شاطری، پروانه و صالحی، صادق و شریفی، منصور و محسنی، رضاعلی، ۱۴۰۰، مطالعه جامعه شناختی انگیزه های مشارکت در سازمان های مردم نهاد محیط زیستی شهر تهران: ارائه نظریه ای زمینه ای
- مصلحی، شاندیز و برقی شیرازی، فهیمه، ۱۳۹۸، بررسی نقش آموزش همگانی و سازمان های مردم نهاد در مدیریت بحران: یک مطالعه مروری، ششمین کنفرانس جامع مدیریت بحران و HSE، تهران.
- Arnestien, sherry (1996), Ladder of citizen participation, Journal of planning Association, No 35.
- Badshah, Akhtar (1996), Our Urban Future, New Paradims foe Equity and Sustainability, Zed Bool Ltd.



- Cuny, F. C. (1998). Principles of disaster management lesson 1: Introduction, Prehospital and Disaster Medicine, 13, 80-85
- Donahue, J. D., Zeckhauser, R. J. (2011). Collaborative governance: Private roles for public goals in turbulent times. Princeton University Press.
- ESCAP (1998) government-NGOs COLLABORATION in rural Poverty alleviation (NEW YORK UNITED NATIONS.)
- Falk, K. (2013). Preparing for disaster: A Community-based approach, 2nd ed. Danish Red Cross, Copenhagen. Retrieved from.
- Heenkenda, S. (2013). The role of microinsurance in agricultural risk mitigation
- Marsh, G., Smale, S., & Buckle, P. (1999). Community impact issues: Group report on community impact issues following possible major prolonged disruption to utilities or possible Y2K situation. Mimeo
- Mitroff, I. (2005) Why some companies emerge stronger and better from a crisis, p36.
- Oosthuizen, A. Driss J. G. (1984), Public Participation in the Planning and Development of Urban Areas, in cities, Communities and Plannings in the 1980, Edited by Don Soen, England: Gower publishing company, Hampshire.
- Jing, Y. & Besharov, D. J. (2014). Collaboration among government, market, and society: Forging partnerships and encouraging competition. Journal of Policy Analysis and Management
- Khan, M. R., Roddick, S. & Roberts, E. (2013). Assessing microinsurance as a tool to address loss and damage in the national context of Bangladesh. Loss & Damage
- Linnerooth-Bayer, J. & Mechler, R. (2007). Disaster safety nets for developing countries: extending public-private partnerships. Environmental Hazards, 7, 54-61.
- Noeleen Heyzer, Jahur (2001). Riker and Antonio B. Quizon Government-NGO relation in Asia Prospects and challenges for people center development.
- Sawada, Y. & Zen, F. (2014). Disaster Management in ASEAN
- Vela, C. P. & Pardo, C. (2012). Does the practice of PPP obey the generalised assumptions partnership rhetoric? A Multidisciplinary Journal, 21, 46-69.
- Zairol, A., Auzzir, Richard, Haigh Dilanthi, Amaratunga (2014) Public. Private Partnership (PPP) in disaster management in developing countries: a conceptual framework